

تاملی درباره تاریخ تشیع در جبل عامل: مروری بر کتاب جبل عامل بین الشهدین

محمد کاظم رحمتی

شماره: تاریخ تشیع ما بین شهادت شهید اول محمد بن مکی (۱۳۸۴/۷۸۶) تا تاریخ شهادت شهید ثانی (۱۵۵۷/۹۶۵) به دلیل آنکه اثری تاریخی نگاری، حاوی تاریخ تشیع در این برهه در دست نیست، یکی از ادوار کمتر شناخته شده تاریخ تشیع است و عمده آگاهی ما درباره آن محدود به گزارش های بسیار کوتاه شیخ حر عاملی (۱۰۳۳ - ۱۱۰۴ / ۱۶۲۳ - ۱۶۹۲) در کتاب امل الامل فی ذکر علماء جبل عامل است. با این حال اسناد و مدارک دیگری که اطلاعات بسیار دقیقی از تاریخ تشیع در این برهه از آنها می توان به دست آورد، اسناد اجازات است که بخش اعظمی از آنها را صاحب ریاض العلماء یعنی عبدالله افندی اصفهانی جیرانی (متوفی ۱۷۱۷/۱۱۳۰) بعد از درگذشت استادش ملا محمد باقر مجلسی از میان نسخه های موجود در کتابخانه وی بر بحار الانوار افزوده است. تحلیل و بررسی اسناد اجازات برای شناخت تاریخ تشیع در فاصله میان شهادت شهیدین در جبل عامل، موضوع بررسی کتابی با عنوان جبل عامل بین الشهدین توسط محقق ارجمند شیخ جعفر المهاجر بوده که به دلیل بکر بودن شیوه و روش وی در پرداخت این موضوع، از سوی دبیر خانه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان اثر برگزیده انتخاب شده است. نوشته حاضر مروری بر این کتاب و یافته های مؤلف آن است.

الشیخ جعفر المهاجر، جبل عامل بین الشهدین: الحركة الفكرية فی جبل عامل فی قرنین من أواسط القرن الثامن للهجرة / الرابع عشر للميلاد حتى أواسط القرن العاشر/ السادس عشر، المعهد الفرنسي لشرق الأديني (دمشق، ۲۰۰۵).

پژوهشگر تاریخ تشیع با يك دشواری عام روبرو هست و آن فقدان آثاری با نگرش صرف تاریخی نگاری است و البته این امر مانع از آن نیست که محقق نتواند کار تحقیق خود را انجام دهد اما بیشک نبود آثاری تاریخ نگارانه کار محقق تاریخ تشیع را با دشواری های فراوانی روبرو می کند. با این حال اگر وظیفه محقق تاریخ را بازسازی گذشته با توجه به هر گونه اسناد موجود از گذشته بدانیم، محقق تاریخ تشیع نیز اسناد و مدارک فراوانی را در اختیار دارد که از جمله آنها اسناد اجازات است که خوشبختانه متن بخش اعظمی از آنها را شاگرد برجسته مرحوم علامه مجلسی، میرزا عبدالله افندی اصفهانی در بخش اجازات بحار الانوار گردآوری کرده هر چند هنوز اجازات پراکنده ای را در نسخه های خطی می توان یافت اما بخش اعظمی از این گونه آثار همان متونی است که افندی در پایان بحار الانوار گردآوری کرده است (درباره اهمیت اجازات بنگرید به مدخل اجازة در دانشنامه ایرانیکا، نوشته دوین استوارت). اما از این اسناد چگونه می توان بهره گرفت و چگونه می توان تاریخ تشیع را بر اساس چنین اسنادی مورد بررسی و تحقیق قرار داد؟

پاسخ به این سؤال را روحانی لبنانی شیخ جعفر المهاجر در کتاب ارزشمند جبل عامل بین الشهدین با بررسی جالب توجه اطلاعات مندرج در اجازات گردآوری کرده و بر اساس آنها تحولات رخ داده در جبل عامل و انتقال مراکز علمی در این منطقه مهم شیعه نشین را در دو قرن مورد بررسی قرار داده است. مهاجر بعد از مقدمه ای کوتاه (ص ۷-۱۵) که گزارشی کوتاه از منابع موجود برای بررسی تاریخ جبل عامل در دوره زمانی مورد بحث می باشد، به طرح این پرسش می پردازد که چگونه جبل عامل در فترت میان شهادت شهیدین به مهمترین مرکز شیعه تبدیل شده و حاصل از چه شرایط اجتماعی این اتفاق در جبل عامل رخ داده است؟

به نحو طبیعی محقق برای پاسخ به این سوال به دنبال منابعی خواهد گشت که بتواند بر اساس آن پاسخی در خور به این سؤالات بدهد و به نحو طبیعی کتاب امل الأمل في ذكر علماء جبل عامل شيخ حر عاملي (۱۰۳۳-۱۶۹۲/۱۱۰۴) و تکمله هاي که بر آن نگاشته شده مهمترین منابعی است که محقق برای یافتن پاسخ هاي خود به آن مراجعه خواهد کرد (برای گزارشی از اهمیت کتاب امل الأمل و تکمله هاي که بر آن نگاشته شده است بنگرید به مدخل امل الأمل در دانشنامه ایرانیکا، نوشته ژوزف فان اس). اما آیا این کتاب و آثار که به عنوان تکمله هاي آن تالیف شده می تواند پاسخی روشن در اختیار محقق قرار دهد؟ آیا بر اساس این آثار می توان تغییرات تدریجی رخ داده در جبل عامل و انتقال یا ثبات مراکز علمی آن را دریافت؟

ظاهراً پاسخ این پرسش هاي با توجه به اطلاعات اندک موجود در کتاب امل الامل امکان پذیر نباشد و باید از منابع و اسناد دیگری برای آگاهی از تحولات رخ داده در جبل عامل بهره گرفت و آنچه که تحقیق مهاجر را از لونی دیگر کرده، همین ویژگی است. مهاجر (ص ۱۹-۳۰) به بحث از مفهوم جبل عامل و عاملی پرداخته و در حقیقت از جغرافیای تاریخی جبل عامل بحث کرده و تحولات تاریخی در حد و حدود جغرافیای جبل عامل را از کهنترین زمانی که گزارشی در دست است مورد بررسی قرار داده است. در همین فصل، مهاجر (ص ۲۵) در بحث از مفهوم عاملی در نزد شیخ حر عاملی به اهمیت اسناد اجازات اشاره کرده و در تعریف اجازه به نقل از بحار الانوار (ج ۱۰۵، ص ۱۶۱) می نویسد:

«الكلام الصادر عن المجيز، المشتمل علي إنشائه الإذن بروايه الحديث عنه. بعد إخباره إجمالاً بمروياته و مشايخه و الكتب و المصنفات التي قرأها أو التي صدر الإذن عن المجيز بروايتها». نکته مهمی که مهاجر نیز در باب اهمیت اجازات به آن اشاره کرده، این مطلب است که در غالب اسناد اجازات محل و تاریخ اعطای اجازه مورد تصریح شیخ اجازه دهنده به مجاز قرار گرفته و همین مطلب است که اهمیت خاصی به اسناد اجازات برای بررسی تاریخی می دهد.

مهاجر پیش از بررسی خود خاطر نشان کرده که در تحقیق خود در دوره مورد بحث لفظ عاملی به عنوان پسوند نام عالمان این دوره مورد اشاره قرار نگرفته بلکه آنها عموماً بر اساس نام محل های سکونتشان مورد اشاره قرار گرفته اند که به عنوان مثال مهاجر از محمد بن مکي جزیني (۱۲۸۴/۷۸۶؛ بحار الانوار، ج ۱۰۷، ص ۳۴، ۴۵، ۱۴۰)، پسر عموي او محمد بن محمد بن مؤذن جزیني (بحار، ج ۱۰۸، ص ۳۷)، علي بن حسن بن محمد بن صالح لویزائي منسوب به روستای لویزه (بحار، ج ۱۰۷، ص ۲۰۳)، فرزندش محمد بن علي جبعي (۱۴۷۱/۸۷۳؛ بحار، ج ۱۰۷، ص ۲۰۳)، علي بن یونس نباطي منسوب به منطقه نبطیه (۱۴۷۲/۸۷۷؛ بحار، ج ۱۰۷، ص ۲۰۵)، علي بن محمد بن یونس بیاضي منسوب به روستای بیاضه (حدود ۱۴۴۸/۸۵۲) و محمد بن احمد صهیوني منسوب به روستای صهیون (حدود ۱۴۶۴/۸۶۹؛ بحار، ج ۱۰۸، ص ۱۷۲) نام برده است. این اسامی همچنین نشانگر آن است که تحولات علمی در منطقه جبل عامل در مناطق مختلفی از آن در جریان بوده است.

همانگونه که مهاجر (ص ۲۶) اشاره کرده نخستین فقیه جبل عاملی که با پسوند عاملی از او یاد شده، زین الدین بن علي عاملی مشهور به شهید ثانی (۱۵۵۸/۹۶۵) است که در اجازه مشهورش به شاگرد برجسته خود حسین بن عبدالصمد حارثی که در جمادی الاخره ۹۴۱/۹۴۳-ژانویه ۱۵۳۵ داده شده به این نام از خود یاد کرده، نامی که در اجازه دیگری که شهید ثانی به ملا محمود بن محمد لاهیجانی در ایام اقامتش در بعلبک در رجب ۹۵۳ داده، تکرار شده است (برای تفصیل بحث بنگرید به جعفر المهاجر، سته فقهاء أبطال، ص ۱۳۱-۱۸۵). هر چند در همین اجازات نیز شهید از خود در پایان اجازه به زین الدین بن علي بن احمد الشامي العاملي

یاد کرده است. با این حال همانگونه که مهاجر متذکر شده است، در بعد نیز مبنا قرار گرفتن محل سکونت فقهاء عاملي در پسوند قرار گرفتن نام آنها رواج داشته کما اینکه علي بن عبدالعالي کرکي (۱۵۳۲/۹۴۰) و فرزندان و نوادگانش به کرکي شهرت داشتند تا عاملي.

فصل دوم که عنوان جبل عامل در دوران شکل گيري و اشغال صليبيان نام دارد (ص ۳۳-۶۰) به تفصيل مسائل آباداني جبل عامل را مورد بحث قرار داده است. کهن ترين اشاره که مهاجر به آن دست يافته گزارشي است که مقدسي مؤلف اثر پراوازه احسن التقاسيم في معرفة الاقاليم که به تاليف کتابش در ۳۷۵ / ۹۸۵ مشغول بوده، آورده است. مقدسي ضمن اشاره به قدس از آن به عنوان شهري کوچک یاد کرده و مناطق روستايي وابسته به آن را روستاهي جبل عامل یاد کرده و در اشاره به اهميت روستاهي جبل عامل از آباداني آنها با عبارات «جبل عامل ذو قري نفيسه» سخن گفته است. سواي ديگر گزارش ها، گفته هاي ابن جبیر (۵۳۹-۶۱۴/۱۱۴۴-۱۲۱۷) که اثر مشهورش الرحله گزارش جالبي از روزگار اوست، کاملترين و جامع ترين گزارش از جبل عامل است که مصادف با روزگار اشغال صليبي جبل عامل است. مهاجر در ادامه به تفصيل گزارش ابن جبیر را مورد تحليل و بررسي قرار داده است.

فصل سوم آغاز نهضت و پيشگامان آن بررسي شرح حال هفت فقيه ساکن در جبل عامل در قرن ششم است. مشکلي که مهاجر در اين بحث قصد پاسخ دهی به آن را دارد، پرسشي است که مرحوم سيد محسن امين در خطط جبل عامل (ص ۷۷-۷۸) مطرح کرده و آن مجهول بودن احوال علماء جبل عامل پيش از قرن ششم است. سيد محسن امين اشاره کرده که عالماني که حر عاملي از آنها نام برده تمامي افراي از قرن ششم به بعد است و فزونتر آنکه در ميان مشايخ شهيد اول کسي از عالمان عاملي به چشم نمي خورد. اما از آنجا که در قرن ششم عالمان متعددي در جبل عامل سکونت داشته اند، به ظاهر بايد پيش از اين تاريخ نيز کساني در آنجا بوده باشند. احتمال ديگري که سيد محسن امين مطرح کرده آن است که عالمان شيعه نواحی حلب، طرابلس و صيدا در قرن ششم به بعد به جبل عامل مهاجرت کرده باشند.

مهاجر ضمن بيان اين گفته هاي سيد محسن امين تاکيد دارد که برخلاف گفته امين، احوال علماء جبل عامل پيش از قرن ششم به کلي مجهول نيست اما فرضيه وجود تعداد کثير عالمان در جبل عامل پيش از قرن ششم بر چه اساسي است؟ مهاجر ضمن اشاره به اين مطالب از احتمال مهاجرت فقهاء شيعه مناطق ديگر به جبل عامل به عنوان يك احتمال سخن گفته اما از نبود اطلاعات کافي در اين مورد سخن گفته و اشاره کرده که تنها اطلاع ما از مهاجرت فقيهي شيعه به جبل عامل، اطلاعي است که درباره مهاجرت ابوالقاسم بن حسين بن عود اسدي، آخرين فقيه شيعي ساکن در حلب است که از آنجا به جبل عامل مهاجرت کرده و در حزين سکونت داشته و در سال ۶۷۶/۱۲۷۸ در آنجا درگذشت (محمد راغب طباح، إعلام النبلاء بتاريخ حلب الشهباء، ج ۴، ص ۴۷۹). با وجود آنکه فرضيه امين به نظر معقول به نظر مي رسد، مهاجر آن را نمي پذيرد (ص ۶۶) و تحول جبل عامل به مرکز تشيع را مرهون تلاش خود عالمان عاملي که البته در مراکز شيعي چون حلب، حله و طرابلس تحصيل کرده اند مي داند، از اين رو در ادامه بحث خود به ذکر شرح حال ديگر فقيهان مشهور عاملي پرداخته است.

نخستين فقيه مورد بحث مهاجر، شهاب الدين اسماعيل بن شرف ابي عبدالله حسين عودي جزيني است که شيخ حر عاملي (ج ۱، ص ۴۱) از او با عناوين فاضل، عالم، شاعر و اديب یاد کرده است. وي در نزد مشايخ شيعه حله تحصيل کرد و بعد از آن به حزين زادگاه خود بازگشت و در همانجا درگذشت. مهاجر معتقد است که

ابن عودي نخستین فقیه عاملي است و از آثار او تنها ارجوزه در شرح الياقوت في علم الکلام باقي مانده است. هر چند از گفته شيخ حر که در بيان آثار او بدون تصريح به نام، ابن عودي را صاحب آثار ديگري دانسته، به نظر مي رسد که ارجوزه تنها اثر باقي مانده و به دست ما رسیده از اين فقيه باشد (متن اين ارجوزه را آقای محمد رضا انصاری قمی در ميراث اسلامی ايران، ج ۸، ص ۵۱۳-۵۳۳ منتشر کرده اند).

نمي دانم بر چه اساسي مهاجر، محمد بن علي بن حسن عودي جزيني (متوفي حدود ۱۵۶۷/۹۷۵) که به سبب نگارش شرح حال شهيد ثاني عالمي شناخته شده است، را از نوادگان ابن عودي معرفي کرده است. برخلاف نظر مهاجر، ابن عودي از عالمان شيعي حله است که نام برخي ديگر از اعضاء خانواده اش را مي شناسيم و مجموعه اي ارزشمند از آثاري که افراد اين خاندان کتابت کرده اند در نسخه اي نفيس در بادليان باقي مانده که خانم زابينه اشمیتکه وعده نگارش مقاله اي درباره آن را داده است هر چند استاد محترم آقای سيد حسين مدرسي طباطبائي نیز گزارشي از اعضاء اين خاندان آورده است (مفاوضه ای در مساله شينيت معدوم، در ميراث اسلامی ايران، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۷۴).

اما دومين عالمي که مهاجر به شرح حال وي پرداخته، جمال الدين يوسف بن حاتم مشغري (متوفي حدود ۱۲۶۵/۶۶۴) بي گمان عالمي عاملي است و پسوند نام وي يعني مشغري به خوبي دلالت بر هويت عاملي او يعني انتساب به روستاي مشغره دارد. شهيد اول نیز در کتاب الذکري که از تالیف آن در ۱۲۸۲/۷۸۴ فراغت حاصل کرده، از اين فقيه عاملي به جمال الدين يوسف بن حاتم مشغري ياد کرده است. مشغري در حله به تحصیل فقه شيعه پرداخته و از مشايخ آنجا چون رضي الدين علي بن طاووس در ۱۲۶۳/۶۶۴ و نجم الدين جعفر بن سعيد اجازه روايت حديث دريافت کرده است. همانگونه که مهاجر اشاره کرده، آنچه درباره تحصيلات فقهی ابن حاتم مي دانيم آن است که وي در حله نزد فقیهان برجسته آن يعني محقق حلي جعفر بن حسن بن يحيي بن سعيد (۱۲۷۴/۶۷۶) و يحيي بن احمد بن سعيد (۱۲۹۲/۶۹۰) و علي بن موسي بن طاووس (۱۲۶۲/۶۶۴) تحصیل کرده است. به درستي دانسته نيست که آیا ابن حاتم بعد از اتمام تحصيلات خود به مشغره بازگشته يا خير؟ هر چند امر محتمل همين است. تنها نکته ديگري که درباره ابن حاتم مي دانيم آن است که وي زماني که در بغداد اقامت داشته، سؤالاتي از شيخ خود جعفر بن سعيد پرسیده است که پاسخ هاي جعفر بن سعيد به آن سؤالات به المسائل البغداديه مشهور بوده و آغاز آن در تکمله امل الامل (ص ۳۴۵) آمده است. مطلب ديگري درباره زندگي ابن حاتم دانسته نيست آیا او به مشغره بازگشته يا در جريان حمله مغولان به بغداد در ۶۵۶ کشته شده است؟ متاسفانه مطلبي در اين باب دانسته نيست.

از آثار ابن حاتم دو اثر به نام هاي الأربعون حديثا عن الاربعين رجلا و كتاب الدر النظيم في مناقب الأئمة اللهميم باقي مانده است. شيخ حر اشاره کرده (أمل الامل، ج ۱، ص ۱۹۰) که از اثر نخست نسخه اي نزد او موجود است هر چند متن کامل اين اثر را ديگر عالم امامي سيد هبة الله بن محمد موسوي در اثر خود به نام المجموع الرائق (اين اثر منتشر شده اما گویا نسخه اي از آن در اختيار آقای مهاجر نبوده چرا که براي اين اثر به کتاب الذريعه الي تصانيف الشيعه ارجاع داده اند) نقل کرده است. اثر دوم از جمله آثار مورد استفاده علامه مجلسي در تالیف بحار الانوار بوده و در سالهاي اخير متن آن بر اساس نسخه هاي از کتاب منتشر شده است. همانگونه که مهاجر اشاره کرده، آثار اين فقيه، نخستين تالیفات عالمی عاملي است که در اختيار ما قرار دارد.

مهاجر در معرفي سومين عالم عاملي از طومان بن احمد مناري (۱۳۲۷/۷۲۸) نام برده که هر چند اسم وي در متن چاپ شده امل الامل، نام اين فقيه به صورت طمان بن احمد عاملي آمده است (ج ۱، ص ۱۰۳). مهاجر بر

اساس دو نقل از شهید اول (بحار الانوار، ج ۱۰۹، ص ۲۰-۲۱) و گفته شیخ حسن بن زین الدین جباعی که نام این فقیه را بر ظهر کتابی که طومان کتابت کرده، به صورت «یثقی بالله الصمد طومان بن احمد» دیده، نام طومان را بر طمان مرجح دانسته است. مهاجر (ص ۷۲) بعد از تصحیح نام درست این فقیه عاملی اشاره کرده که نام طومان، اسمی ترکی است و این پذیرش این مطلب که این فقیه عاملی است را دشوار می کند هر چند مهاجر دلایلی برای توجیه این نام ترکی ذکر کرده است. نکات چندانی درباره این فقیه عاملی دانسته نیست جز آنکه مدتی در حله و در نزد مشایخ امامیه آنجا به تحصیل فقه مشغول بوده و در آنجا در محضر درس محمد بن احمد بن صالح قسینی (۱۲۶۵/۶۶۴) حضور داشته و همراه با ابن حاتم نزد رضی الدین علی بن موسی بن طاووس و جعفر بن سعید حلی به فراگیری فقیه امامیه مشغول بوده است.

بخشی از اجازه او از جعفر بن سعید حلی در دست شیخ حسن بن زین الدین جباعی بوده و بخشی از آن را در اجازه کبیره خود آورده است اما تاریخ دریافت اجازه را ذکر نکرده است. به نحو طبیعی مناری نیز می باید بعد از اتمام درس خود در حله به زادگاهش مناره بازگشته باشد. در همان اجازه شیخ حسن جباعی او اشاره کرده که پدر شهید اول یعنی مکی بن محمد بن حامد جزینی و علاء الدین بن زهره حلی هر دو از شاگردان مناری بوده اند. نظر مهاجر این است که این دو عالم در مناره، زادگاه و اقامتگاه مناری در نزد او به تحصیل فقه پرداخته اند. استناد مهاجر درباره این مطلب بر اساس بخشی از گفته شهید اول در اجازه خود است که در آن اشاره کرده که «و قد کان والدی جمال الدین ابو محمد مکی من تلامیذ المجاز له، الشیخ العلامه نجم الدین طومان، و المترددین الیه...»، مهاجر معتقد است که عبارت المترددین الیه اشاره به اقامت مناری در زادگاه مناره دارد که مکانی نزدیک به جزین بوده است. اما چرا علاء الدین حلی برای تحصیل فقه به مناره سفر کرده است؟ پاسخ به این سؤال در بخشی دیگر از اجازه شهید است. شهید در بخشی دیگر از اجازه خود می نویسد: «ان السید الجلیل اباطالب احمد بن ابی ابراهیم محمد بن زهره الحسینی قال ان عمه السید علاء الدین یروی عن الشیخ الامام نجم الدین طومان بن احمد روایه عامه. و قرا علیه کتاب الارشاد».

به نظر مهاجر (ص ۷۵) این عبارت دلالت بر افول علمی حلب در روزگار مناری دارد که عالمی حلی را واداشته بود تا برای تحصیل فقه شیعی به جبل عامل سفر کند. مناری در سال ۵۸۰ در مدینه بعد از آنکه اعمال حج را به جا آورد، درگذشت (امل الآمل، ج ۱، ص ۱۰۳).

صالح بن مشرف طلوسی، عالم عاملی که در اوائل قرن هشتم هجری درگذشته است، دیگر فقیه عاملی است که مهاجر به گزارش زندگی او پرداخته است. حر عاملی (ج ۱، ص ۱۰۲) از او به الشیخ صالح بن مشرف العاملی الجبعی یاد کرده که دلالت بر انتساب او به روستای مشهور جبع یا جباع دارد هر چند سید محسن امین از او با عنوان طلوسی جبعی یاد کرده که بر اساس آن، زادگاه او می تواند روستای طلوسه باشد که نام پیشینش نحاریر بوده است. مهاجر معتقد است که اینکه حر عاملی این عالم را به جبعی معرفی کرده بیشتر به دلیل شهرت نوادش شهید ثانی (زین الدین بن علی بن احمد بن محمد بن علی بن جمال الدین بن تقی الدین بن صالح بن مشرف) است که به جبعی مشهور بوده و بهتر است که این فقیه را همان گونه که امین یاد کرده طلوسی یاد کنیم. از این عالم عاملی به جز عبارت کوتاهی که حر عاملی آورده و او را از شاگردان علامه حلی و جد شهید ثانی معرفی کرده، اطلاع دیگری در دست نیست. گفته شیخ حر در اینکه طلوسی نزد علامه حلی حسن بن یوسف (۶۴۸-۷۲۶/۱۲۵۰-۱۳۲۵) تحصیل کرده، دلالت بر سفر این عالم عاملی به حله دارد، همانند دیگر عالمان امامی این دوره که امری طبیعی است.

به نحو طبیعی رشد جامعه فقهاء جبل عامل در قرن ششم و هفتم زمینه ساز شکل گیری خاندان های شیعی را فراهم کرد که از جمله این خاندان ها، خانواده شهید اول را می توان نام برد. جمال الدین ابومحمد مکی بن محمد بن حامد جزینی (متوفی بعد از ۱۳۲۷/۷۲۸) نیای شهید اول عالم عاملی جزینی است که بیشتر شهرتش به واسطه نواده اش شهید اول است. او نزد عالم عاملی طومان بن احمد مناری تا پیش از وفات وی در ۷۲۸ به تحصیل مشغول بوده است که به نظر مهاجر این تحصیل در مناره زادگاه مناری بوده است. بعد از وفات مناری، جزینی به حله سفر کرد و در آنجا نزد فخر المحققین محمد بن حسن بن مطهر حلی (۱۳۶۹/۷۷۱) به تحصیل پرداخت. به جز عبارت کوتاهی که شیخ حر عاملی در یادکرد از این فقیه عاملی «کان من فضلاء المشایخ فی زمانه، و من اجلاء مشایخ الاجاره» آورده، مطلب چندانی درباره او دانسته نیست. همین گونه اطلاعاتی درباره آثار این عالم امامی در دست نیست. دیگر عالم جزینی که اطلاعاتی درباره او در دست است، این اطلاعات محدود به گفته های یکی از نوادگان دور این عالم جزینی در قرن سیزدهم است که مدعی است که این عالم جزینی شیخ شهید اول، عموی پدرش و پدر همسر شهید اول بوده و در ریاضیات تبحر داشته است. جز این مطالب، چیز دیگری درباره او دانسته نیست.

آخرین فقیه مورد بحث مهاجر، عالم امامی جمال الدین ابراهیم بن ابی الغیب بخاری (متوفی حدود ۱۳۳۵/۷۳۶) است که صفدی در الوافی بالوفیات (ج ۶، ص ۷۶) از او به ابراهیم بن ابی الغیب جمال الدین بن ابی الحسام بخاری یاد کرده و کتاب دیگر خود یعنی اعیان العصر (ج ۱، ص ۱۰۷) از او به عنوان الفقیه الشیعی بار دیگر سخن گفته است. ذهبی نیز در شرح حال عالم مشهور حلی یعنی ابوالقاسم بن حسین بن عودی نجیب الدین اسدی حلی (متوفی ۶۷۹) نام برده و بیتی از قصیده ای که بخاری در رثای حلی سروده نقل کرده است (تاریخ الاسلام، ج ۱۵، ص ۳۸۲). مهاجر (ص ۷۹) بر اساس نام جدی بخاری، یعنی حسام معتقد است که جد بخاری زین الدین جعفر بن حسام از شاگردان شهید اول بوده و در روستای عینا سکنت داشته است و مهاجر افراد دیگری از این خانواده را معرفی کرده است.

صفدی که از بخاری یاد کرده گفته که وی در مجدل سلم یکی از روستاهای صغد سکونت داشته و از امامان شیعه بوده است و در ادامه گفته که او از ابن عود و ابن مقبل حمصی (۴) اخذ علم کرده است. نجیب الدین ابوالقاسم ابن حسین بن عود حلی اسدی (۵۸۱-۶۷۶/۱۱۸۵-۱۲۷۷) آخرین فقیه شیعی ساکن در حلب است که به اجبار از آنجا رانده شد که شرح این حادثه را یونینی (ذیل مرآة الزمان، ج ۳، ص ۲۷۴) و ذهبی (تاریخ الاسلام، ج ۱۵، ص ۳۸۱-۳۸۲) آورده است. وی در جزین اقامت گزید و در همانجا درگذشت.

فقیه دیگری که صفدی از آن یاد کرده، مبارک بن یحیی بن مبارک مشهور به مخلص الدین غسانی حمصی (۱۲۵۶/۶۵۸) است که یونینی (ذیل مرآة الزمان، ج ۱، ص ۳۸۵-۳۸۶) از او به عنوان «کان فاضلا ادبیا، و له معرفة تامه بالانساب و هو احد مشایخ الشیعه، توفی فی ربیع الآخر بجبل لبنان، و کان قد هرب من التتر فادرکه اجله» یاد کرده است. صفدی در ادامه شرح حال ابن حسام بخاری اشاره کرده که او نیز همانند دیگر فقیهان امامی به حله مهاجرت کرد و در نزد علامه حلی فقه امامی را فراگرفته است. آگاهی بیشتر درباره ابن فقیه امامی را صفدی آورده که با بخاری مرادوات نزدیکی نیز داشته و مهاجر در ادامه شرح حال ابن فقیه به گزارش از این مرادوات پرداخته است (ص ۸۲-۸۴). همچنین مهاجر در ادامه برخی اشعار باقی مانده از بخاری را گردآوری کرده است.

بی شک حیات علمی در جبل عامل با ورود محمد بن مکی جزینی مشهور به شهید اول، دچار تحول شگرف شده است و آن انتقال حوزه تشیع از حله به جزین است، از این رو مهاجر فصل چهارم کتاب خود را (ص ۱۰۷-۱۲۶) با عنوان قهرمان نهضت به بررسی حیات شهید اول اختصاص داده است. مهاجر نخست به بیان شرح حال شهید اول (ص ۱۰۹-۱۱۸) و تصحیح برخی خطاهای رخ داده در شرح حال شهید پرداخته و در ادامه بحث خود تحولات سیاسی رخ داده در جبل عامل خاصه مسئله فتح منطقه کسروان را که در روزگار شهید رخ داده را مورد بررسی قرار داده است. همانگونه که مهاجر متذکر شده است، شهید ثانی شخصیت مهمی در انتقال حوزه شیعه از حله به جبل عامل است و شگفت نیست که عبارت من تلامیذ الشهد یا ممن یروی عن الشهد را فراوان در آثار رجال شناسی و اسناد اجازات می توان دید. در حقیقت شهید اول نسل مهمی از علماء شیعه را تربیت کرده که در تحکیم و تثبیت حوزه علمیه جبل عامل نقش فراوانی داشته است.

از جمله این فقیهان می توان به شمس الدین محمد ضحاک، محمود مشهور به امیر الحاج، علی بن بشاره شقراوی، حسین بن علی عاملی، عبدالصمد جباعی، علی بن محمد بن یونس بیاضی و حسن فتونی بیاضی را نام برد. همچنین بعدها شاگرد مهم شهید اول یعنی حسن بن عشره کسروانی که نامش در متون مختلف به دلیل ناآشنایی با لقب کسروانی فراوان تصحیف شده، دیگر عالمان عاملی اهل کرک نوح چون حسین بن هلال کرکی و محمد بن عبدالعالی کرکی نقش مهمی در تاسیس حوزه علمیه در کرک نوح ایفا کرده اند. اما نقش شهید تنها در تربیت نسلی از فقیهان شیعی در جبل عامل نبوده و شهید ابتکارات مهمی نیز در فقه امامیه داشته است که مهاجر (ص ۱۲۹-۱۳۴) از آنها بحث کرده است که مهمترین آنها تسوع در اختیارات فقیه و وضع اصطلاح نائب الامام برای فقیه است. مهاجر (ص ۱۴۰-۱۴۲) وصیت نامه اخلاقی شهید اول را نیز نقل کرده است.

مراکز علمی در جبل عامل یعنی روستاهای جزین، عیناتا، کرک نوح، میس، جباع، مشغره موضوع مورد بحث فصل پنجم کتاب جبل عامل بین الشهدیین است (ص ۱۴۷-۲۵۹) که مفصل ترین بخش کتاب است. به نحو طبیعی مهاجر در بحث از مراکز علمی جبل عامل بحث خود را از جزین آغاز کرده است که به دلیل اقامت شهید اول در آنجا اهمیت کلیدی در تحولات جبل عامل داشته است. کهنترین گزارش درباره جزین، گفته های مورخان اهل سنت در اشاره به مهاجرت ابوالقاسم بن حسین بن عود اسدی حلی است که به دلایلی مجبور به مهاجرت به جزین شده بود و در آنجا مورد احترام جامعه شیعیان قرار گرفت. ذهبی ضمن اشاره به مهاجرت حلی به جزین در اشاره به موقعیت او در آنجا نوشته است که: «... ثم انه اقام بجزین ماوی الراضه، فاقبلوا علیه و ملکوه بالاحسان» (تاریخ الاسلام، ج ۱۵، ص ۲۸۲). در ادامه مهاجر (ص ۱۵۶-۱۶۰) گزارشی از عالمانی که در جزین به تحصیل مشغول بوده اند، آورده است که از میان این شاگردان حسن بن عشره کسروانی نقش مهمی در تداوم تلاش های شهید داشته است. عیناتا که پیشتر مهاجر در بحث از بخاری اشاره به اهمیت این شهر داشته بود، دومین محلی است که مهاجر از آن بحث کرده و فهرستی از عالمان ساکن در آنجا در فاصله میان شهادت شهید اول و ثانی آورده است (ص ۱۶۱-۱۷۵).

کرک نوح (ص ۱۷۶-۲۰۰) یکی از مهمترین مناطق جبل عامل است که مهاجر نیز به تفصیل بیشتری درباره آن بحث کرده است. بعد از گزارشی کوتاه از وضعیت سیاسی و چند اطلاع تاریخی درباره کرک نوح، مهاجر، از عالمی به نام حسین بن محمد بن هلال کرکی از شاگردان شهید اول که در حله نزد او تحصیل کرده و اجازه نیز در تاریخ ۱۲ شعبان ۷۵۷ دریافت کرده، سخن گفته است اما مهاجر به نبود اطلاعات بیشتری درباره این فقیه

اشاره کرده است. همین گونه اطلاعات ما درباره شمس الدین محمد بن عبدالعالی کرکی دیگر عالم عاملی که ظاهراً در کرک نوح اقامت داشته، اندک است. به گمان مهاجر، نقش محوری در تحولات کرک نوح را شاگرد کمتر شناخته شده شهید اول یعنی عز الدین حسن بن یوسف مشهور به ابن عشره کسروانی ایفا کرده است که لقب وی در اکثر منابع تصحیف شده است. ابن عشره نزد دو تن از شاگردان شهید اول یعنی حسن بن ایوب مشهور به نجم الدین اعرج و علی بن محمد بن عبدالعلی بن نجه تحصیل کرده است. همچنین ابن عشره نزد محمد عریضی از شاگردان ابن اعرج نیز درس خوانده است. همانگونه که مهاجر اشاره کرده، ابن عشره، در نزد شاگردان شهید اول در جزین درس خوانده و احتمالاً در کرک نوح به فراگیری فقه نزد محمد عریضی پرداخته باشد. از گفته شاگرد ابن عشره یعنی محمد بن احمد صهیونی که در اجازه خود به علی بن عبدالعالی میسی اشاره کرده که ابن عشره نزد نظام الدین علی بن احمد نیلی درس خوانده است می توان دریافت که ابن عشره مدتی در حله نیز بوده است. مهاجر در ادامه به نقش مهم ابن عشره در تقویت حوزه کرک نوح پرداخته است و به تفصیل از روابط میان ابن فهد حلی و ابن عشره سخن گفته است (ص ۱۸۲-۱۸۴).

گفته شد که ابن عشره نقش مهمی در تکوین حوزه کرک نوح داشته است. مهاجر در ادامه بحث خود، از شاگردان ابن عشره سخن گفته است. نخستین شاگرد مورد بحث مهاجر، محمد بن اسکاف کرکی است که اطلاعات بسیار اندکی درباره او موجود است اما دانسته های ما درباره دیگر شاگردان ابن عشره، فزونتر است. مشهورترین این شاگردان بی گمان همانگونه که مهاجر نیز اشاره کرده، محمد بن علی جباعی (۱۴۷۱/۸۷۶) است که شهرت فراوان به واسطه تالیف مجموعه جباعی دارد و بعدها فقیهان برجسته ای از میان فرزندانش برخاسته اند که مشهورترین آنها شیخ بهایی (۱۰۳۰/۱۶۲۱) است.

دیگر شاگردان ابن عشره، محمد بن محمد بن مؤذن جزینی، محمد بن احمد صهیونی، محمود بن امیر الحاج و علی بن هلال جزائری است (مهاجر، ص ۱۸۷-۱۸۹). مهاجر در اشاره پایانی خود به ابن عشره از درگذشت او در ۱۴۵۷/۸۶۲ در کرک نوح سخن گفته است. از میان شاگردان او، بی گمان علی بن هلال جزائری نقش مهمی در بقا و حفظ حوزه کرک نوح داشته است. اما مشهورترین شخصیت کرکی، بی گمان علی بن عبدالعالی کرکی، سرسلسله خاندان کرکی است که نقش مهمی در تحولات سیاسی ایران عصر صفویه ایفا کرده است. نخستین فرد شناخته شده از خاندان کرکی، نجم الدین حسن بن ایوب اطراوی است که از شاگردان شهید اول بوده و خود کسانی چون جعفر بن حسام عیناثری و حسین بن یوسف بن عشره کسروانی را تربیت کرده است. از جمله نوادر آثاری که از اطراوی باقی مانده، کتابی است که شاگرد اطراوی، علی بن علی فقعی (۱۴۵۱/۸۵۵) منسوب به روستای فقعیه در ساحل صورتالیف کرده است. این کتاب که نام مسائل الیقین نام دارد، و به مسائل ابن طی شهرت دارد، مشتمل بر فتاوی شهید اول و اطراوی در برخی مسائل فقهی است. پس از او فرزند اطراوی، جعفر بن فخر الدین حسن بن ایوب اطراوی است که اطلاع چندانی نیز از او در دست نیست. آوازه این خاندان، در زمان حسن بن جعفر بن حسن بن اعرج (۱۵۳۲/۹۳۹) است که در میس نزد علی بن عبدالعالی میسی تحصیل کرده که تنها شیخ اجازه اوست. او همچنین نزد پسر خاله اش، علی بن عبدالعالی کرکی (۱۵۳۳/۹۴۰) نیز تحصیل کرده و بعدها با دختر او نیز ازدواج کرده است. از جمله شاگردان او که البته در طریق اجازه آنها قرار دارند، زین الدین بن علی جباعی، حسین بن عبدالصمد حارثی و علی بن هلال مشهور به منشار کرکی (۹۸۴) را می توان یاد کرد. اطراوی گرچه خود به ایران مهاجرت نکرد، اما فرزندش میر حسین کرکی (۱۰۰۱) با مهاجرت به ایران نقش مهمی در ساختار دینی حکومت صفویه ایفا کرد که مهاجر در

کتاب دیگرش الهجره العامليه الى ايران فى العصر الصفوى: اسبابها التاريخيه و نتائجها الثقافيه و السياسيه اشاراتى به او آورده است. اما مشهورترين فقيه خاندان کرکى، على بن عبدالعالى کرکى مشهور به محقق کرکى (۸۷۰-۹۴۰/۱۴۶۵-۱۵۳۳) است که مهاجر به تفصیل از او در کتاب سته فقهاء ابطال بحث کرده و در کتاب حاضر (ص ۱۹۴-۱۹۹) به اختصار از او سخن گفته است. میس، چهارمین منطقه ای است که مهاجر به بحث از آن پرداخته که البته شهرت اصلی آن به دلیل فقیه برجسته آن علی بن عبدالعالی میسی مشهور به ابن مفلح (۹۲۸/۱۵۳۱) است که بعدها فرزنداناش به ایران مهاجرت کردند و شهرت فراوانی بدست آوردند. میسی خود نزد محمد بن محمد بن مؤذن و محمد بن احمد صهیونی، شاگردان ابن عشره در کرک نوح تحصیل کرده بود و اجازات او از این استادان او باقی مانده که متن آنها را افندی در بخش ملحقات بحار الانوار آورده است. میسی تألیفات چندی نیز داشته که از جمله آنها مهاجر به شرح رساله صیغ العقود والایقعات که شرحی بر رساله صیغ العقود والایقعات علی بن علی فقحانی است، شرح الجعفریه علی بن عبدالعالی کرکى، و شرح قواعد علامه حلی را می توان نام برد. همچنین وی رساله ای به نام المیسیه داشته که صاحب اعیان الشیعه (ج ۸، ص ۲۶۲) از آن به عنوان کتابی که «ینقل عنها العلماء کثیرا» یاد کرده که البته ظاهرا نسخه ای از آن موجود نباشد. مهاجر بحث کوتاهی از شاگردان میسی آورده است (ص ۲۰۴-۲۰۵).

تاریخ درگذشت میسی را افندی به نقل از مجموعه جباعی چنین آورده است: «توفى شیخنا الامام العلامة التقى الورع الشیخ علی بن عبدالعالی المیسی، اعلى الله مقام نفسه الزکیه، الاربعاء عند منتصف اللیل. و دخل قبره الشریف بجبل صدیق النبى لیله الخمیس الخامس او السادس و العشرین من شهر جمادى الاولی سنه ثمان و ثلاثین و تسعمائه». (ریاض العلماء، ج ۴، ص ۱۲۱). بر این اساس گفته شیخ حر عاملی که درگذشت میسی در ۹۳۳ سخن گفته احتمالا ناشی از خطای باشد. در پایان (ص ۲۰۷) مهاجر به اختصار از نوادگان میسی که به ایران مهاجرت کرده اند و نقش مهمی در ساختار دولت صفویه ایفا کرده بودند که بارزترین نقش باقی مانده آنها مسجد شیخ لطف الله میسی در اصفهان است که به عنوان یکی از بناهای زیبا بازمانده از عصر صفویه است.

پنجمین مرکز علمی در جبل عامل، جبع یا جباع است که از میانه قرن نهم هجری از وجود عالمی به نام محمد بن علی جباعی (۸۸۶/۱۴۸۷) در آن اطلاع داریم که نام وی در اجازه ای که علی بن علی بن طی (۸۵۵/۱۴۵۱) به او داده با القاب محمد بن الشیخ العلامة، ابی الفضائل، زین الدنیا و الدین، شرف الاسلام و المسلمین علی بن ابن الشیخ بدرالدین حسن، الشهیر بالجعبی آمده است. اما ظاهرا این فرد جبعی الاصل نباشد و افراد این خانواده پیشتر در منطقه ای دیگر از جبل عامل زندگی می کرده اند. دلیل این نظر مهاجر، گفته فرزند این عالم عاملی است که در ثبت گزارش تاریخ وفات پدرش، گفته است که: «و مات والدی علی بن الحسن بن محمد بن صالح اللویزائی فی جمادى الاولی سنه ۸۶۱».

نسبت اللویزائی اشاره به روستای لویزه دارد که البته محلی نزدیک به جبع و در جنوب آن است. اما اطلاعات دقیقتر درباره این خانواده را تقی الدین ابراهیم کفعمی (۹۰۵/۱۴۹۹) برادر محمد در کتاب الجنه الواقیه و الجنه الباقیه آورده که در آنجا در معرفی خود می نویسد: «الكفعمي مولدا، اللویزي محتدا، الجبعي ابا». این عبارت به صراحت دلالت دارد که اصل خانواده از روستای لویزه است که بعدها در جبع اقامت گزیده اند.

فرزندان علی بن حسن جبعی، تقی الدین ابراهیم مشهور به کفعمی (منسوب به روستای کفرعیما)، احمد و محمد جملگی از اهل علم بوده اند. مهاجر (ص ۲۱۰) ضمن اشاره ای کوتاه به کفعمی با وجود کثرت آثار باقی

مانده از این عالم عاملي به دليل عدم اقامت وي در جبع به سرعت از او گذشته و به شرح حال محمد پرداخته است که در کرک نوح نزد ابن عشره کسرواني تحصیل کرده و به تصریح خودش متون فراواني را نزد ابن عشره قرائت کرده است «قرات عليه كثيرا». مهاجر (ص ۲۱۱) در ادامه توضیحاتی درباره محمد به نقل یادداشت های وي از مجموعه جباعي نقل کرده است. مهاجر به عنوان پایان بخش این بحث، گزارش کوتاهی از مجموعه ارزشمند جباعي و اهمیت آن ارایه کرده است (ص ۲۱۳-۲۱۴).

در بحث از دیگر عالمان مشهور جبع یا جباع، مهاجر از علي بن احمد بن حجه نحاريري (۱۵۱۹/۹۲۵) منسوب به روستای نحاریر (طلوسه) شاگرد ظهیر الدین بن علي بن حسام عیناڠي در عیناڠا و علي بن عبدالعالي میسی در میس و استاد نجم الدین تراکیشي مشغري و فرزندش زین الدین مشهور به شهید ثانی یاد کرده است. همچنین مهاجر در چند سطر از حسین بن ابی الحسن جباعي (۱۵۵۵/۹۶۳) سر سلسله چندین خانواده عاملي و عبدالصمد بن حمد جباعي (۱۴۵۱/۹۳۵-۱۵۲۸) یاد کرده است. شخصیتی که بحث اصلي مهاجر را به خود اختصاص داده است، کسی جز فقیه نامور جباعي، زین الدین بن علي عاملي مشهور به شهید ثانی (۹۶۵) نیست که مهاجر (ص ۲۱۵-۲۲۷) گزارش از شرح حال زندگی او ارایه کرده است.

آخرین منطقه جبل عامل مورد بحث مهاجر، بخش مشغره است که پیشتر از یوسف بن حاتم مشغري به عنوان یکی از عالمان آن منطقه بحث شده است. بحث اصلي مهاجر در این بخش، گزارشی از محمد بن حسین بن محمد بن محمد بن مکي (۱۴۹۸/۹۰۳) جد خاندان آل حر است که در ادامه مهاجر به تفصیل از افراد شناخته شده این خانواده که برخی از آنها به ایران نیز مهاجرت کردند، سخن گفته است که مشهورترین آنها شیخ حر عاملي است که در مشهد شیخ الاسلام بوده و آثار مختلفی به رشته تحریر درآورده که مشهورترین آنها وسائل الشیعه است.

بعد از جمع بندی (ص ۲۵۲-۲۵۹) در يك پیوست مهاجر آنچه که از اشعار ابن ابی الغیث بخاری چون متن اشعار او در رثای استادش ابوالقاسم بن حسین بن عود حلی (به نقل از ذیل مرآة الزمان، ج ۳، ص ۴۳۵-۴۳۶) و قصیده ای که او به هنگام شنیدن خبر اعلان تشیع در ایران توسط سلطان محمد خدابنده شنیده را نقل کرده است. کتابشناسی منابع مورد استفاده، فهرست اعلام و فهرست کتاب، بخش های پایانی کتاب است. بی گمان کتاب جبل عامل بین الشهدین اثر ارزنده برای علاقه مندان عام به تاریخ تشیع و اثری ارزشمند برای پژوهشگران عصر صفویه و بحث مهاجرت فقهای جبل عامل به ایران در عهد صفویه به عنوان یکی از کلیدیترین مسائل آن برهه است. آنچه که بر اهمیت این کتاب می افزاید تخصص مؤلف محترم است که پیشتر در کتابهایی به نام التأسيس لتاریخ الشیعة فی لبنان و سوریه (بیروت ۱۹۹۲)، جبل عامل تحت الاحتلال الصلیبی (بیروت ۲۰۰۰) و کتاب سته فقهاء أبطال (بیروت ۱۴۱۵/۱۹۹۴) جنبه های دیگر این موضوع را مورد بحث قرار داده بود.

* دوست عزیز و استاد ارجمند آقای دکتر دوین استوارت، استاد دانشگاه اموری متن مقاله را خواندند و برخی نکات ارزنده ای را پیشنهاد دادند. برخی خطاها در متن کتاب آقای مهاجر، چون ضبط تاریخ میلادی شهادت

شهید ثانی که ایشان به خطا ۱۵۵۷ ذکر کرده بودند و یا برخی اشکالات دیگر خاصه در ارجاع به صفحات آثار مورد اشاره ایشان در متن نوشتار حاضر اصلاح شده، اما اشاره ای به نادرست بودن آنها نشده است.

منبع:

<http://www.historylib.com>